

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشبران ما، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

سنجش الگوی پایه پیشرفت از حیث مؤلفه‌های اسلام ناب محمدی و رسالت نخبگان در خصوص آن از منظر امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای مجتبی جاویدی *

چکیده

اسلام دینی حیات‌بخش و معارف آن انسان‌ساز و احیاگر روح و تضمین‌کننده حیات جامعه و سعادت انسان‌ها است. با این حال، در طول تاریخ اقدامات زیادی برای مقابله با آن انجام گرفته است. یکی از این اقدامات آن بوده که گروه‌هایی در مقابل «اسلام اصیل»، «اسلام‌های بدلی» ساخته و آن را به جای اسلام اصیل ارائه کرده‌اند. با توجه به اهمیت شناسایی اسلام اصیل از اسلام‌های بدلی، امام خمینی (ره) در طول حیات خویش بر جدایی اسلام حقیقی از اسلام‌های انحرافی تأکید داشتند و اسلام حقیقی را «اسلام ناب محمدی» و اسلام‌های انحرافی را «اسلام آمریکایی» نامیدند و بازشناسی اسلام ناب محمدی و جدا کردن آن از اسلام آمریکایی را از واجبات سیاسی بسیار مهم معرفی کردند. رهبر معظم انقلاب نیز با اذعان به این تقسیم‌بندی، بر رسالت نخبگان در تبیین مؤلفه‌های اسلام ناب برای جهانیان تأکید کرده‌اند. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی به دنبال تبیین مؤلفه‌های اسلام ناب محمدی و رسالت نخبگان در خصوص آن بر اساس اندیشه امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب و سنجش الگوی پایه پیشرفت از حیث انطباق با این مؤلفه‌ها و توجه به این رسالت‌ها و تکالیف است.

واژگان کلیدی: اسلام، اسلام ناب محمدی، اسلام آمریکایی، نخبگان، الگوی پایه پیشرفت.

۱- مقدمه

قرآن کریم به عنوان مهم‌ترین منبع دین آسمانی اسلام، انسان‌ها را به پذیرش دین و دعوت خدا و رسول برای حیات و زندگی واقعیشان فرا می‌خواند و حیات واقعی را در پرتو این دین ممکن می‌داند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» (انفال: ۲۴) امام خمینی (ره) در طی دوران حیات خویش و به خصوص در دو سال آخر آن، به‌طور جدی بر جدایی اسلام حقیقی از اسلام‌های انحرافی و تحریف‌شده اصرار و تأکید داشتند و اسلام حقیقی را اسلام ناب محمدی و اسلام‌های انحرافی را اسلام آمریکایی نامیدند و به دنبال آن، تعیین چارچوب‌ها و مرزهای اسلام ناب محمدی را از وظایف نخبگان حوزه و دانشگاه دانسته و بازشناسی اسلام ناب و جدا کردن آن از اسلام آمریکایی را از واجبات سیاسی بسیار مهم معرفی کردند. امام (ره) در پیامی به مناسبت اربعین شهادت علامه عارف حسین حسینی، رهبر شیعیان پاکستان با ابراز تأسف از به‌طور کامل مشخص نشدن مرز بین «اسلام آمریکایی» و «اسلام ناب محمدی»، متذکر این نکته می‌شوند که ممکن نیست در یک مکتب، دو فکر متضاد و رودررو وجود داشته باشد. روشن کردن این دو

* استادیار دانشگاه شیراز، mojtabajavidi@gmail.com، Dr-mojtabajavidi@shirazu.ac.ir

هشتمین کنگرس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران ما، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

تفکر متضاد از واجبات سیاسی بسیار مهمی است که اگر توسط حوزه‌های علمیه صورت پذیرفته بود، به احتمال بسیار زیاد شهید عارف حسین به شهادت نمی‌رسید. بر این اساس ایشان این وظیفه را بر دوش همه علما می‌دانند که با روشن کردن این دو تفکر، اسلام را از ایادی شرق و غرب نجات دهند. (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱: ۱۲۰ و ۱۲۱)

تقسیم اسلام به اسلام ناب محمدی و اسلام آمریکایی بیانگر این نکته است که حق، همیشه ثابت بوده و تغییر نمی‌کند. به همین دلیل با نامگذاری اسلام اصیل به اسلام ناب محمدی به حقیقت اسلام اشاره شده است؛ اما ماسک اسلام ناب و اسلام غیراصیل، در هر عصری چهره عوض می‌کند تا بتواند با سوار شدن بر موج هر عصری، عده‌ای از انسان‌های ساده‌لوح را در دام بیندازد. از بدو پیدایش اسلام، مخالفت‌های زیادی با آن صورت گرفت که یکی از موفق‌ترین آنها، این بود که در مقابل اسلام اصیل، اسلام‌های بدلی ساختند و به جای آن معرفی کردند. مهمترین نمونه آن را در نحوه برخورد معاویه با حضرت علی (علیه‌السلام) در جنگ صفین می‌توان دید. معاویه در این جنگ با حربه قرآن، امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) را شکست داد و الا اگر مدت زمان اندکی گذشته بود، دیگر آثاری از بنی‌امیه باقی نمی‌ماند.

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در تبیین اسلام بدلی می‌فرماید: «فَإِنَّ هَذَا الدِّينَ قَدْ كَانَ أُسِيرًا فِي أَيْدِي الْأَشْرَارِ يُعْمَلُ فِيهِ بِالْهَوَىٰ وَ تُطَلَّبُ بِهِ الدُّنْيَا؛ این دین اسیر دست اشرار بود، در آن به هوا و هوس عمل می‌کردند، و وسیله دنیاطلبی آنان بود.» (نهج البلاغه، نامه ۵۳) در زیارت اربعین در توصیف امام حسین (علیه‌السلام) چنین آمده است: «بَدَّلَ مُهْجَتَهُ فَيْكًا لَيْسَتْ نَفْدَ عِبَادِكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ خَيْرَةَ الضَّلَالَةِ؛ خون پاکش را در راه تو ریخت، تا بندگان را از جهالت و گمراهی نجات دهد.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۸، ص ۳۳۱) آنچه در زیارت اربعین آمده، مبین این است که عده‌ای به خاطر جهل نسبت به اسلام ناب، و رفتن به سمت اسلام بدلی و غیر اصیل، منادی اسلام اصیل را به شهادت می‌رسانند. از این رو باید آنان را از این جهالت نجات داد. بنابراین تبیین این نظریه و شناساندن چنین اسلامی، کاری حسینی است؛ یعنی شناساندن همان اسلام معاویه و یزیدی که امروز در قالب جدید استکبارپسند به بازار عرضه شده است. به همین جهت، شناخت دقیق این تفکر، ضروری است.

رهبر معظم انقلاب با اشاره به آیه ۵۸ سوره نساء که در خصوص دستور خداوند به ادای امانت به صاحبان آن است، بزرگترین امانت الهی را تعالیم اسلام ناب دانسته و اساساً فلسفه تشکیل حکومت اسلامی را رساندن این تعالیم به جهانیان معرفی کرده و بر ضرورت ترویج و تبلیغ آن برای همگان تأکید می‌کنند: «تشکیل حکومت اسلامی، جهاد فی سبیل‌الله، مبارزات بزرگی که علمای دین و اولیای دین و انبیای الهی انجام داده‌اند، به نحوی مقدمه برای این هدف است که حقایق الهی به دل‌های پاک برسد. ... اسلام ناب که امام بزرگوار بر روی آن این همه تأکید می‌کردند، برای این است که ما این متاع را که متاع ذهن مردم و متاع مغزها و متاع دل‌هاست خالص، بدون غلّ و غش، بدون تقلّب و بدون کم و زیادهایی که دست‌های خائن و گنهکار یا غافل و جاهل به وجود آورده‌اند، به مخاطبان برسانیم. این بزرگترین امانت الهی است؛ «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» (نساء، ۵۸). بزرگ‌ترین و نفیس‌ترین و مؤثرترین و گران‌بهارترین امانتی که خدای متعال به ما داده است، معارف الهی و حقایق الهی است. این‌ها را بایستی به صورت ناب و به صورت خالص،

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران ما، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

هرچه نزدیک‌تر به واقع به دست بیاوریم و آن را به مخاطب برسانیم.» (خامنه‌ای، بیانات در دیدار روحانیون و مبلغان در آستانه‌ی ماه مبارک رمضان: ۱۳۷۷/۹/۲۳)

اسلام ناب محمدی (ص) در نظر تدوین‌کنندگان الگوی پایه پیشرفت دارای چنان اهمیتی است که نخستین تدبیر پیش‌بینی شده در سند تدابیر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت «تبيين و ترويج اسلام ناب محمدی متناسب با مقتضیات روز» پیش‌بینی شده است. در این مقاله به دنبال بررسی این نکته هستیم که مؤلفه‌های اسلام ناب محمدی (ص) و تکالیف نخبگان و خواص در نظر امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب چیست و سند الگوی پایه پیشرفت تا چه میزان با این مؤلفه‌ها و این اهداف و رسالت‌ها انطباق دارد. روش انجام این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است.

۲- مفهوم اسلام ناب محمدی و اهمیت تفکیک آن از اسلام آمریکایی

منظور از اسلام ناب محمدی همان اسلام حقیقی و اصیلی است که از صاحب آن، پیامبر اکرم (ص) بی هیچ پیرایه و آرایشی به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (ع) و سپس از آن حضرت به ائمه بعدی (ع) منتقل شده و در قول، عمل، عقیده و رفتار به آن پایبند بوده و از آن بزرگواران نسل به نسل و دست به دست گشته تا به ما رسیده است. بدیهی است که اسلام ناب با تمام اجزای آن مورد نظر است و در صورت کاستی یا فزونی بر اجزای آن، تحریف یا ناقص شده و خلوص و ناب بودن آن خدشه‌دار می‌شود. گاه در این اسلام‌های تحریف شده تنها ظواهری از دیانت باقی می‌ماند و از حقیقت اسلام و دین الهی در آن خبری نیست و لذا به سادگی در خدمت ستمگران و طاغوتیان در می‌آید و عملاً هیچ‌گاه نجات‌بخش مستضعفان و ستمدیدگان نخواهد بود. (فلاح‌پور، ۱۳۸۱: ۳۷) امام خمینی (ره) این اسلام تحریف شده را که عملاً هیچ مخالفتی با منافع مستکبران و طواغیت ندارد، اسلام آمریکایی می‌نامند.

امام خمینی (ره) بر لزوم توضیح و تبیین اسلام ناب محمدی و اسلام آمریکایی و مرز میان آن دو تأکید می‌ورزیدند و با جدیت تمام این دو اسلام را توصیف می‌کردند و به تصویر می‌کشیدند. ایشان در برخی پیام‌ها و سخنرانی‌ها، اسلام ناب محمدی (ص) را توصیف کرده و در برخی دیگر به توضیح اسلام آمریکایی پرداخته و در برخی هر دو را معرفی می‌کردند. به عنوان مثال امام (ره) در پیامی به هر دو نوع اسلام اشاره کرده و در ابتدا برخی از شاخصه‌های اسلام ناب را برشمرده و سپس اسلام آمریکایی را در مقابل آن قرار می‌دهند: اسلام ناب محمدی (ص): اسلام فقرای دردمند؛ اسلام پابرهنگان؛ اسلام تازیانه‌خوردگان تاریخ تلخ و شرم‌آور محرومیت‌ها؛ کوبنده سرمایه‌داری مدرن و کمونیسم خون‌آشام و در مقابل اسلام آمریکایی: اسلام رفاه و تجمل، اسلام التقاط، اسلام سازش و فرومایگی و اسلام مرفهان بی‌درد. (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱: ۱۴۵)

رهبر معظم انقلاب نیز با تأکید بر تقسیم‌بندی اسلام به اسلام ناب محمدی و اسلام آمریکایی، در بیانات مختلف خود سعی در ترسیم ابعاد گوناگون هر دو اسلام می‌نمایند. ایشان در پیامی به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) بیان می‌دارند که در مدرسه‌ی انقلاب که امام بنیان گذارد، بساط اسلام سفیانی و مروانی، اسلام مراسم و

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران ما، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

مناسک میان تهی، اسلام در خدمت زر و زور و خلاصه اسلام آلت دست قدرت‌ها و آفت جان ملت‌ها برچیده شده و اسلام قرآنی و محمدی (ص)، اسلام عقیده و جهاد، اسلام خصم ظالم و عون مظلوم، اسلام ستیزنده با فرعون‌ها و قارون‌ها و خلاصه، اسلام کوبنده‌ی جباران و برپاکنده‌ی حکومت مستضعفان، سر برکشید. (خامنه‌ای، پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره): ۱۳۶۹/۳/۱۰) در اندیشه ایشان در انقلاب اسلامی، اسلام کتاب و سنت، جایگزین اسلام خرافه و بدعت؛ اسلام جهاد و شهادت، جایگزین اسلام قعود و اسارت و ذلت؛ اسلام تعبد و تعقل، جایگزین اسلام التقاط و جهالت؛ اسلام دنیا و آخرت، جایگزین اسلام دنیاپرستی یا رهبانیت؛ اسلام علم و معرفت، جایگزین اسلام تحجر و غفلت؛ اسلام دیانت و سیاست، جایگزین اسلام بی‌بندوباری و بی‌تفاوتی؛ اسلام قیام و عمل، جایگزین اسلام بی‌حالی و افسردگی؛ اسلام فرد و جامعه، جایگزین اسلام تشریفاتی و بی‌خاصیت؛ اسلام نجات‌بخش محرومان، جایگزین اسلام بازیچه‌ی دست قدرت‌ها؛ و خلاصه اسلام ناب محمدی، جایگزین اسلام آمریکایی گردید. (خامنه‌ای، پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره): ۱۳۶۹/۳/۱۰) بر این اساس شناسایی مؤلفه‌های اسلام ناب محمدی و تمایز آن از اسلام آمریکایی و سنجش میزان تطابق الگوی پایه پیشرفت به عنوان سندی راهبردی و بالادستی با این مؤلفه‌ها اهمیت فراوانی پیدا می‌کند.

درک صحیح و عمیق جهان‌بینی اسلامی لازمه شناخت اسلام ناب

قبل از اینکه به تبیین مؤلفه‌های اسلام ناب بپردازیم باید به این موضوع اشاره کنیم که لازمه درک اسلام ناب، شناخت صحیح و عمیق جهان‌بینی اسلامی است. اندیشه‌های امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای در خصوص موضوع اسلام ناب، ریشه در جهان‌بینی اسلامی و همچنین منابع اسلامی یعنی آیات و روایات دارد. در این قسمت اشاره‌ای کوتاه به جهان‌بینی اسلامی کرده و در خلال مباحث مطروحه در مقاله، برخی از آیات و روایات مورد اشاره قرار خواهد گرفت. در جهان‌بینی اسلامی اصول گوناگونی چون توحید، معاد، عدم تفکیک دنیا از آخرت، اخلاق، جنبه روحانی انسان در کنار بعد جسمانی، وجود عالم غیب و ... وجود دارد که درک همه‌جانبه آن‌ها نقش شایانی در شناخت صحیح اسلام واقعی یعنی اسلام ناب محمدی دارد. آیت‌الله خامنه‌ای، انقلاب اسلامی ایران که تجلی‌بخش اسلام ناب محمدی در دنیای حاضر است را برخاسته از همین جهان‌بینی توحیدی اسلامی می‌داند: «ریشه‌ی استوار و اندیشه‌ی زیربنائی این انقلاب، جهان‌بینی توحیدی اسلام است. تفسیر انسان، تفسیر تاریخ، تحلیل حوادث حال و گذشته و آینده، تفسیر طبیعت، تبیین همه‌ی علائقی که انسان را با دنیای بیرون از وجود او - جهان، انسان‌ها و اشیاء - مرتبط می‌کند، و نیز فهم و درک آدمی از وجود خود و خلاصه همه‌ی چیزهایی که نظام ارزشی جامعه را می‌سازد، و آن را بر اداره‌ی مطلوب خود قادر می‌کند، همه و همه از این جهان‌بینی الهی ریشه و مایه می‌گیرد و منشعب می‌شود.» (خامنه‌ای، بیانات در چهل و دومین مجمع عمومی سازمان ملل، نیویورک، ۱۳۶۶/۶/۳۱) در ادامه به عنوان نمونه توضیحات مختصری در خصوص اصل مبنایی «توحید» و همچنین اصل اساسی «عدم تفکیک دنیا از آخرت» داده می‌شود.

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران ما، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

توحید در همه شئون حیات اجتماعی افراد ظهور دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۹۰). نکته مهم این است که اصالت توحید بدین معنا نیست که فرد در اعتقادات خویش به ذات ربوبی معتقد باشد و این اعتقاد هیچ‌گونه ثمره‌ای در بر نداشته باشد. عقیده به توحید هرگاه شکوفا گردد، حتماً در اخلاق و اعمال فردی و اجتماعی فرد و جامعه تجلی می‌یابد. در حقیقت، نسبت عقیده با اخلاق و عمل، همانند رابطه متن و شرح است، اگر متن اعتقاد به توحید به طور صحیح شرح و تفسیر گردد، قلمرو آن تمامی شئون جامعه را فرا می‌گیرد. عقیده به توحید بسان لوحی است که اگر باز گردد، صفحه‌اش نظام اخلاقی و عملی بنا شده بر قسط و عدل در جامعه است. قرآن کریم می‌فرماید: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا» (ابراهیم، ۲۴-۲۶)؛ اعتقاد به توحید شجره طوبایی است که از ریشه تا بالاترین شاخه‌اش همواره میوه می‌دهد. درخت توحید نظیر درختان معمولی نیست که ریشه و ساقه آن میوه ندهد و فقط در فصل معین دارای میوه باشد، چنین درختی جز در بهشت یافت نمی‌شود. تشبیه توحید به درختی بهشتی که از ریشه تا شاخه دائماً میوه می‌دهد تشبیهی رساست. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۹۱ و ۹۲) در اندیشه رهبر معظم انقلاب، «توحید» نگرشی بی‌تفاوت و غیرمسئول نیست، بلکه شناختی متعهد و بینشی فعال و سازنده است که در بنای جامعه و اداره آن و ترسیم خط سیر آن و تعیین هدف آن و تأمین عناصر حفظ و ادامه آن دارای تأثیری اساسی و تعیین‌کننده است. (خامنه‌ای (۱۳۵۳) بدون شماره صفحه) بر همین اساس رهبر معظم انقلاب تأکید می‌کنند که در تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت اولین مسئله‌ای که باید در نظر گرفته شود توحید است. (خامنه‌ای، بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، ۱۳۸۹/۹/۱۰)

این نگاه توحیدی را در جای جای مبانی الگوی پایه پیشرفت می‌توان دید. به صورت خاص در مبنای خداشناسی الگوی پایه پیشرفت، «خدامحوری و توحید، اساس و محور بنیادین حیات فردی و اجتماعی مؤمنان» دانسته شده است. به صورت طبیعی این مبنا خود را در مبانی جهان‌شناختی و انسان‌شناختی الگو نیز نشان می‌دهد. بر اساس یکی از مبانی جهان‌شناختی الگو، جهان با عوالم غیب و شهودش، سرشت توحیدی دارد و مراتب روحانی، مادی، دنیوی و اخروی‌اش، پیوسته در مسیر تکامل و تعالی به سوی خداوند است. همچنین یکی از مبانی انسان‌شناختی الگو آن است که هدف از آفرینش انسان، معرفت و عبادت پروردگار و در پرتو آن، دستیابی به مقام قرب و خلیفه الهی است. این موارد تنها از باب نمونه ذکر شد و الا در جای جای مبانی الگوی پایه پیشرفت می‌توان نگاه توحیدی را مشاهده کرد. بند دوم سند تدابیر الگوی پایه پیشرفت نیز بر تقویت و تعمیق نگاه توحیدی تأکید کرده است.

یکی دیگر از اصول جهان‌بینی اسلامی عدم تفکیک دنیا و آخرت است. رهبر معظم انقلاب در این خصوص به حدیث «الدُّنْيَا مَرْعَى الْأَخْرَى» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷، ص ۲۲۵) استناد می‌کنند. همچنین ایشان از آیه شریفه «وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ؛ جهنم بر کافران احاطه دارد. (عنکبوت، ۵۴ و توبه، ۴۹) چنین استفاده می‌کنند که «شخص کافر همین الان در داخل جهنم است»، بنابراین دنیا و آخرت از هم جدا نیستند، بلکه آخرت آن روی سکه‌ی دنیا است. (خامنه‌ای، بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، ۱۳۸۹/۹/۱۰)

هشتمین کنگراس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران ما، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

عدم جدایی دنیا از آخرت به خوبی در سند مبانی الگوی پایه پیشرفت قابل مشاهده است. یکی از مبانی جهان‌شناختی این سند آن است که «جهان با عوالم غیب و شهودش، سرشت توحیدی دارد و مراتب روحانی، مادی، دنیوی و اخروی‌اش، پیوسته در مسیر تکامل و تعالی به سوی خداوند است.» همچنین «جهان محل عمل و آزمایش و بستر تکامل و تعالی و یا سقوط معنوی اختیاری انسان است و بر اساس سنت‌های الهی به کردارهای آدمیان واکنش نشان می‌دهد.» همچنین «چگونگی حیات اخروی مبتنی بر باور، بینش، منش، اخلاق، کنش و رفتار آدمیان در زندگی دنیوی است.»

۳- مؤلفه‌های اسلام ناب محمدی

در ادامه سعی بر آن است که با توجه به اندیشه حضرت امام (ره) و رهبر معظم انقلاب به تبیین ابعاد و شاخصه‌های اسلام ناب بپردازیم.

۳-۱ مخالفت با تحجر و قشری‌گری و نگاه سطحی به دین

واژه تحجر در لغت به معنی «مثل سنگ سخت شدن آن، مثل سنگ سخت گردیدن چیزی؛ تحجر مفاصل، خشک شدن و تصلب مفاصل است.» (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۴: ۵۶۵۹) در اصطلاح، «مقصود از جمود یا تحجر، بسته‌ذهنی و تنگ‌نظری و داشتن اندیشه راکد و ساکن است و به کسی جامدالفکر و متحجر گفته می‌شود که اندیشه پویا و سیالی نداشته باشد و خشک‌مغز و بسته‌ذهن و فاقد بصیرت و درایت باشد.» (اسفندیاری، ۱۳۸۲: ۶۹)

اسلام ناب با هرگونه جمود، سطحی‌نگری و ظاهربینی مخالف، و همواره با نقد و نظر و پویایی و شکوفایی موافق است و هیچ‌گاه با مهر تکفیر و تفسیق به مبارزه با اندیشه‌های نو نمی‌پردازد؛ بلکه ضمن پایبندی به سنت‌های صحیح و اصولی، پیوسته نقد و نظر، همراه با برهان و استدلال را مورد تأیید و تأکید قرار می‌دهد. در اسلام ناب محمدی (ص)، دین از کمال و جامعیتی برخوردار است که تنها به ظواهر کتاب و سنت اکتفا نمی‌شود؛ بلکه کتاب و سنت دارای ظاهر و باطن است. دین تنها در فقه و احکام خلاصه نمی‌شود. دین نه تنها مخالف عقل و فلسفه نیست، بلکه از عقل و فلسفه نهایت بهره‌برداری را به عنوان وسیله و ابزار برای کشف و حل مشکلات فکری می‌کند؛ همچنانکه با عرفان و کشف و شهود مخالف نیست و از کشف و شهود و سیر و سلوک عرفانی برای معرفت و درک ابعاد معنوی و اسرار دین استفاده می‌کند. (فلاح‌پور، ۱۳۸۱: ۳۹ و ۴۰) روش عملی امام خمینی (ره) در دین‌شناسی و شناسایی دین، خود بهترین بیانگر و مؤید این بُعد از اسلام ناب است. او ضمن تعبد به ظواهر شرع، به معرفی ابعاد معنوی و باطنی دین نیز همت می‌گماشت. امام (ره) نشان داد که فقه اسلام یعنی مقررات اداره‌ی زندگی مردم در کنار فلسفه‌ی اسلام یعنی تفکر روشن‌بینانه و عمیق و استدلالی و عرفان اسلام یعنی یعنی زهد و انقطاع إلى الله و دامن برچیدن از هواهای نفسانی چه معجزه‌ی بزرگی می‌تواند بیافریند.

هشتمین کنگراس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران ما، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

امام در دوران خفقان رژیم سابق چنان از قشریون و تحجرگراها آزار دیده بودند که به عنوان نمونه به تعبیر ایشان، اگر می‌خواستند بگویند شاه خائن است، بلافاصله از سوی عده‌ای متحجر این جواب را می‌شنیدند که شاه شیعه است! لذا ایشان در بیانی فشار اشخاص متحجر به ایشان و اندیشه توأم با جمود عده‌ای قبل از پیروزی انقلاب اسلامی را چنین توصیف می‌کنند: «خون دلی که پدر پیرتان از این دسته متحجر خورده است هرگز از فشارها و سختی‌های دیگران نخورده است. وقتی شعار جدایی دین از سیاست جا افتاد و فقاقت در منطق ناآگاهان، غرق شدن در احکام فردی و عبادی شد و قهراً فقیه هم مجاز نبود که از این دایره و حصار بیرون رود و در سیاست [و] حکومت دخالت نماید، حماقت روحانی در معاشرت با مردم فضیلت شد. به زعم بعض افراد، روحانیت زمانی قابل احترام و تکریم بود که حماقت از سراپای وجودش بیارد و آلا عالم سیاس و روحانی کاردان و زیرک، کاسه‌ای زیر نیم کاسه داشت و این از مسائل رایج حوزه‌ها بود که هر کس کج راه می‌رفت متدین‌تر بود. یاد گرفتن زبان خارجی، کفر و فلسفه و عرفان، گناه و شرک به شمار می‌رفت. در مدرسه فیضیه فرزند خردسالم، مرحوم مصطفی از کوزه‌های آب نوشید، کوزه را آب کشیدند، چرا که من فلسفه می‌گفتم. تردیدی ندارم اگر همین روند ادامه می‌یافت، وضع روحانیت و حوزه‌ها، وضع کلیساهای قرون وسطی می‌شد که خداوند بر مسلمین و روحانیت منت نهاد و کیان و مجد واقعی حوزه‌ها را حفظ نمود.» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱: ۲۷۸ و ۲۷۹) البته امام خمینی (ره) تأکید می‌کنند که پرونده تفکر این گروه همچنان باز است و تنها شیوه مقدس‌مآبی و دین‌فروشی عوض شده است. (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱: ۲۸۰)

رهبر معظم انقلاب نیز به صراحت یکی از ویژگی‌های اسلام ناب را مخالفت با تحجر و خرافه‌پرستی می‌دانند و معتقدند که امروزه دنیای اسلام برای به دست آوردن موجودیت، هویت و عزت خود یک راه بیشتر ندارد و آن برگشت به اسلام است؛ البته اسلام واقعی، نه یک اسلام متحجر آمیخته با خرافات که دشمنان اسلام تبلیغ می‌کنند. (خامنه‌ای، بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام به مناسبت سالروز هفدهم ربیع‌الاول: ۱۳۸۲/۲/۲۹)

در سند مبانی الگوی پایه پیشرفت در قمست مبانی ارزش‌شناختی تأکید بر «خردورزی و تمسک به دانش بشری و تجارب عقلایی» می‌تواند تا اندازه‌ای در راستای فهم صحیح از دین و مخالفت با تحجر و قشری‌نگری نسبت به آن تلقی شود، اما به نظر به این مؤلفه به صورت مستقل توجهی نشده است. در سند تدابیر الگوی پایه پیشرفت با اینکه در برخی موارد بر فهم عمیق دین تأکید شده است اما صراحتاً سخنی از «مخالفت با تحجر، قشری‌نگری و نگاه سطحی به دین» به میان نیامده است. دومین تدبیر پیش‌بینی شده در سند تدابیر مبنی بر «تقویت و تعمیق فرهنگ توحیدی و معادباور و ایمان به غیب» تأکید دارد. همچنین بند سوم تدابیر بر «تعمیق معرفت نسبت به اهل بیت (ع)» و «تعمیق فرهنگ انتظار بدون انحراف و بدعت» تأکید دارد. علاوه بر این، بند ۴۴ سند تدابیر بر «گسترش فهم عمیق و تحکیم نظریه مردم‌سالاری دینی مبتنی بر ولایت فقیه» تأکید کرده است. تقویت فضای آزاداندیشی (بند ۴۷ سند تدابیر) و ترویج عقلانیت در جهان اسلام (بند ۵۵ سند تدابیر) از دیگر موارد مذکور در سند تدابیر است که می‌توان گفت نسبت مستقیمی با «مخالفت با تحجر، قشری‌گری و نگاه سطحی به دین» پیدا می‌کند.

۳-۲ عدم جدایی دین از سیاست

اصلی‌ترین پایه تمامی ادیان آسمانی اعتقاد به توحید است. اعتقاد به توحید در دین اسلام، صرفاً اندیشه‌ای اعتقادی نیست، بلکه اندیشه‌ای است که باور به آن تمامی امور فردی و اجتماعی انسان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. توحید علاوه بر شئون حیات فردی، در حیات اجتماعی انسان‌ها نیز جلوه‌گر می‌شود. بر این اساس، اندیشه توحیدی نمی‌تواند نسبت به سیاست و نحوه حکومت بر مردم بی‌تفاوت باشد بلکه در این عرصه نیز گوهرهای ناب حقایق خویش را عرضه می‌دارد. لذا اسلام ناب تنها به ابعاد عبادی و فردی دین اکتفا نمی‌کند، بلکه در کنار آن، دین را واجد جنبه اجتماعی می‌داند و علاوه بر توحید فردی در صدد ایجاد جامعه توحیدی در ابعاد گوناگون برای بشریت است. اسلام ناب، حکومت را جزء دین می‌داند و سیاست را عین دیانت می‌انگارد و یکی از وظایف دینداران را تلاش جدی در عرصه سیاسی می‌داند؛ چرا که تحقق قسط و عدالت اجتماعی را مهمترین هدف سیاسی و اجتماعی دین و اسلام تلقی می‌کند.

امام خمینی (ره) در خصوص ورود اسلام ناب در عرصه سیاست چنین بیان می‌دارد که برقراری یک نظام عادلانه اجتماعی از طریق اجرای قوانین و احکام، مهمترین وظیفه انبیاء (علیهم‌السلام) است که البته با بیان احکام و نشر تعالیم و عقاید الهی ملازمه دارد؛ چنانکه این معنا از آیه شریفه: «لَقَدْ ارْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ اَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید، ۲۵) به وضوح پیدا است. به طور کلی هدف بعثت‌ها این است که مردم بر اساس روابط اجتماعی عادلانه نظم و ترتیب پیدا کنند و این با تشکیل حکومت و اجرای احکام امکان‌پذیر است، خواه نبی خود موفق به تشکیل حکومت شود، مانند رسول اکرم (ص)، و خواه پیروانش پس از وی توفیق به تشکیل حکومت و برقراری نظام عادلانه اجتماعی را پیدا کنند. (خمینی، ۱۳۷۸: ۷۰) امام خمینی تفکر جدایی دین از سیاست را از اندیشه‌های استعمارگران غرب می‌داند و در این زمینه معتقدند که استعمارگران به نظر مسلمانان چنین آوردند که اسلام، حکومت و تشکیلات حکومتی ندارد و به فرض که احکامی در این خصوص داشته باشد، مجری ندارد و اسلام فقط دین قانونگذاری است. این تبلیغات جزئی از نقشه استعمارگران برای بازداشتن مسلمانان از سیاست و اساس حکومت است. هدف استعمارگران و اعمال سیاسی آن‌ها از طرح این مباحث آن است که دین را از تصرف امور دنیا و از تنظیم جامعه مسلمانان برکنار سازند، چرا که در این صورت می‌توانند بر مردم مسلط شده و ثروت‌های آنها را غارت کنند. اگر مسلمانان کاری جز انجام امور فردی چون نماز خواندن، دعا کردن و ذکر گفتن نداشته باشند، استعمارگران و دولت‌های جائر متحد آن‌ها هیچ کاری به آن‌ها ندارند و از آن نوع اسلام هیچ هراسی ندارند: «آن مردک [نظامی انگلیس در زمان اشغال عراق] پرسید: اینکه در بالای مأذنه دارد اذان می‌گوید، به سیاست انگلستان ضرر دارد؟ گفتند؛ نه. گفت: بگذار هر چه می‌خواهد، بگوید.» (خمینی، ۱۳۷۸: ۲۰-۲۲) در طول دوران استعمار، دشمنان اسلام و دشمنان بیداری ملت‌های اسلامی، تبلیغ می‌کردند که اسلام معنوی و اسلام اخلاقی از اسلام سیاسی جداست. امروز هم دستگاه‌های تبلیغاتی دشمن و جبهه‌ی دشمن نظام اسلامی با انواع و اقسام وسایل تبلیغاتی سعی می‌کند اسلام سیاسی و اسلام عدالت‌خواه و اسلام اجتماعی را به عنوان

هشتمین کنگراس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران ما، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

چهره‌ای خشن در دنیا معرفی کند و مردم را به اسلام منزوی، اسلام تسلیم‌طلبانه و اسلامی که در مقابل متجاوز و ظالم و زورگو هیچ عکس‌العملی از خود نشان نمی‌دهد، سوق دهند. پشتیبانی کشورهای استکباری از گروه‌هایی چون داعش را می‌توان در همین راستا ارزیابی کرد. امام این را شکست و این انگاره‌ی دروغین از اسلام را باطل کرد و اسلام ناب را مطرح نمود. امام خمینی (ره) عملاً نشان داد که اسلام سیاسی، همان اسلام معنوی است. اسلام نابی که امام مطرح کرد، یعنی ضد اسلام متحجر و خرافی و همچنین ضد اسلام رنگ باخته در مقابل مکاتب بیگانه و التقاطی.

در اندیشه رهبر معظم انقلاب نغمه‌ی شوم جدایی دین از سیاست، ساخته‌ی دشمنان پلیدی است که از اسلام زنده و در صحنه، سیلی خورده و با این ترفند خواسته‌اند صحنه‌ی زندگی را از حضور دین فارغ کرده و خود زمام امور دنیای مردم را به دست گیرند و بی‌دغدغه بر سرنوشت انسان‌ها تسلط یابند. اما کسانی به نام دین و در کسوت علمای دین، همین سخن را تکرار کنند و در ترویج آن، سعی و تلاش کنند. این هم‌صدایی برخی ملبسان به لباس دین با دشمنان، اگرچه در مواردی ناشی از غفلت آنان از اهمیت سیاست و نقش آن در سرنوشت انسان‌ها و در مواردی ناشی از تنبلی و ترس و تن دادن به زندگی آسان است، اما در مواردی هم ناشی از همدستی خطرناک آنان با ارباب قدرت و مکتب است، که به عقیده ایشان، مسلمانان باید این را بزرگترین خطر و چنین افرادی را پلیدتر از اربابان سیاسیشان بدانند و از شر آنان به خدا و به همت و آگاهی خود پناه برند. (خامنه‌ای، پیام به حجاج بیت‌الله الحرام، ۱۳۶۸/۴/۱۴) آیت‌الله خامنه‌ای به صراحت جدایی دین از سیاست را از ویژگی‌های اسلام آمریکایی و در هم تنیده بودن دین و سیاست را از ویژگی‌های اصلی اسلام ناب می‌دانند: «اسلام آمریکایی است که مردم را به دوری از سیاست و فهم و بحث و عمل سیاسی می‌خواند؛ ولی اسلام ناب محمدی، سیاست را بخشی از دین و غیر قابل جدایی از آن می‌داند و همه‌ی مسلمین را به درک و عمل سیاسی دعوت می‌کند.» (خامنه‌ای، پیام به حجاج بیت‌الله الحرام: ۱۳۶۸/۴/۱۴)

با این که صراحتاً به «عدم جدایی دین از سیاست» به عنوان یک مبنای اساسی در سند الگوی پایه پیشرفت اشاره‌ای نشده است، اما با این وجود، می‌توان نشانه‌هایی از عدم جدایی دین از سیاست را در سند الگوی پایه پیشرفت مشاهده کرد. اشاره به مبانی دین‌شناختی زیر در سند الگوی پایه پیشرفت تا اندازه‌ای نشانگر توجه این سند به عدم جدایی دین از سیاست است:

- دین، دستگاه جامع معرفتی- معیشتی است که از سوی خداوند متعال برای تأمین کمال و سعادت دنیوی و اخروی آدمیان نازل شده است.

- اسلام با نظام هستی و سرشت انسان، هماهنگی دارد و نقش بدیل‌ناپذیری در تأمین نیازهای نظری و عملی، فردی و اجتماعی و دنیوی و اخروی ایفا می‌کند. به همین جهت استطاعت کامل برای تمدن‌سازی و ارائه‌ی الگوی پیشرفت دارد.

- خردورزی و تمسک به دانش بشری و تجارب عقلایی مورد تأکید اسلام است و وحی، مایه شکوفایی عقل محسوب می‌شود. از این رو تمدن‌سازی و پیشرفت اسلامی افزون بر تکیه بر اصول، ارزش‌ها و تعالیم اسلامی، مبتنی بر عقل و دانش بشری نیز هست.

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران ما، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

اشاره به سه مبنای جامعه‌شناختی زیر نیز در سند مبانی الگوی پایه پیشرفت تا حدودی تبیین کننده عدم جدایی دین از سیاست ارزیابی می‌شود:

- جامعه دینی مبتنی بر شکل‌گیری مناسبات اجتماعی بر اساس اصول و ارزش‌های دینی است و دینداری فردی آحاد جامعه به تنهایی ضامن تحقق جامعه دینی نیست.

- جهت‌گیری تاریخ به سوی آینده‌ای پیشرفته در تمام ابعاد مادی و معنوی با حاکمیت ایمان و تقوا و رهبری امام معصوم (ع) است.

- پیشرفت حقیقی با هدایت دین اسلام، رهبری پیشوای الهی، مشارکت و اتحاد مردم و توجه به غایت پایدار تحقق کلمه الله حاصل می‌شود.

همچنین اشاره به «کتاب و سنت» به عنوان کاشف اصول ارزش‌ها در قسمت مبانی ارزش‌شناختی این سند نیز در راستای همین مؤلفه عدم جدایی دین از سیاست ارزیابی می‌شود. اشاره بند بیستم سند تدابیر به «التزام به رعایت اصول و قواعد اسلامی در غایت و ساختار تصمیمات، سیاست‌گذاری‌ها و نهادسازی‌های اقتصادی و مالی» نیز می‌تواند در همین راستا تلقی شود.

در تفکر اسلام ناب محمدی، فقه نباید وظیفه خود را صرفاً در قلمرو مسائل فردی و عبادی بداند بلکه باید در مسائل سیاسی و اجتماعی نیز پاسخگوی نیازهای روز باشد. امام (ره) با توجه به همین رویکرد فقه را تئوری واقعی و کامل اداره انسان و اجتماع از گهواره تا گور دانسته و بر ضرورت پرداختن فقه به تمامی معضلات اجتماعی، نظامی و فرهنگی حکومت اسلامی تأکید می‌کنند. (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱: ۲۸۹) با توجه به اهمیت همین امر است که امروزه رهبر معظم انقلاب مکرراً از حوزه‌های علمیه می‌خواهند که فقه حکومتی نظام‌ساز را در دستور کار دروس خارج خود قرار دهند. (به عنوان مثال ن.ک: خامنه‌ای، بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۰/۶/۱۷) در سند الگوی پایه پیشرفت صراحتاً بر لزوم توجه به فقه به عنوان تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور اشاره‌ای نشده است اما با این حال اشاره به «مبنای اجتهاد در عرصه‌های اعتقادی، اخلاقی و شریعت و توجه به عناصر انعطاف‌پذیر فقه اسلامی برای پاسخگویی به نیازهای نوشونده زمانی و مکانی» در سند مبانی الگوی پایه پیشرفت را می‌توان تا اندازه‌ای در راستای این امر در نظر گرفت.

مهمترین بخش ورود دین در عرصه سیاست، تشکیل حکومتی اسلامی است. لازمه عملی تحقق اسلام ناب محمدی، تشکیل حکومتی بر اساس موازین اسلام ناب است. در واقع تحقق اسلام ناب، جز با حاکمیت اسلام و تشکیل نظام اسلامی امکان‌پذیر نیست، چرا که اگر نظام سیاسی کشور بر پایه‌ی شریعت اسلامی و تفکر اسلامی وجود نداشته باشد، امکان ندارد که اسلام بتواند با ستمگران عالم و زورگویان یک جامعه، مبارزه‌ی واقعی و حقیقی کند. بر همین اساس است که امام حراست و صیانت از جمهوری اسلامی را اوجب واجبات می‌دانست. (خامنه‌ای، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران در بیست و یکمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹/۳/۱۴)

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشبران ما، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت دوم و بیت سوم خردادماه ۱۳۹۸

۳-۳ حمایت از مستضعفان و ستمدیدگان

واژه «مستضعف» از ریشه «ضعف» است، اما چون به باب استفعال برده شده، به معنای کسی است که او را به ضعف کشانیده‌اند و در بند و زنجیر کرده‌اند. به عبارت دیگر، مستضعف کسی نیست که ضعیف و ناتوان باشد، بلکه کسی است که نیروهای بالفعل و بالقوه دارد، اما از ناحیه مستکبران در فشار قرار گرفته و ضعیف شمرده شده است، اما با این حال در برابر مستکبران تسلیم نیست، بلکه پیوسته تلاش می‌کند که با مستکبران مقابله کند. در قرآن کریم در آیه ۵ سوره مبارکه «قصص» وعده پیروزی مستضعفان بر مستکبران داده شده است. پیروان اسلام ناب محمدی، خود را پیوسته موظف می‌دانند که از مستضعفان حمایت و دفاع کنند و با ستمگران و مستکبران مبارزه کنند. در واقع، در بینش اسلام ناب، کل جریان تاریخ را می‌توان به مثابه نبرد «حق» و «باطل» و نبرد «مستضعفان» و «مستکبران» تلقی کرد. از این رو هدف اسلام ناب، رفع استضعاف از همه مستضعفان و بهره‌مندی همه توده‌ها و اقشار گوناگون جامعه از نعمت‌های الهی و مواهب خدادادی است. لذا پیرو اسلام ناب همواره مخالف سرسخت مستکبران، مترفان و مرفهان بی‌درد است و بر چپاول مستضعفان توسط مستکبران و گرسنگی گرسنگان و پرخوری پرخوران سکوت اختیار نمی‌کند.

امام خمینی (ره) به صراحت یکی از ویژگی‌های اسلام ناب محمدی را حمایت از مستضعفان، پابرهنگان و محرومان دانسته و در مقابل، اسلام مرفهان بی‌درد را اسلام آمریکایی می‌خواند: «مردم شجاع ایران با دقت تمام به نمایندگانی رأی دهند که متعبد به اسلام و وفادار به مردم باشند و در خدمت به آنان احساس مسئولیت کنند، و طعم تلخ فقر را چشیده باشند، و در قول و عمل مدافع اسلام پابرهنگان زمین، اسلام مستضعفین، اسلام رنجدیدگان تاریخ، اسلام عارفان مبارزه‌جو، اسلام پاک‌طینتان عارف و در یک کلمه، مدافع اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله و سلم - باشند. و افرادی را که طرفدار اسلام سرمایه‌داری، اسلام مستکبرین، اسلام مرفهین بی‌درد، اسلام منافقین، اسلام راحت‌طلبان، اسلام فرصت‌طلبان، و در یک کلمه، اسلام آمریکایی هستند طرد نموده و به مردم معرفی نمایند.» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱: ۱۱) آیت‌الله خامنه‌ای نیز دقیقاً همین امر را به عنوان یکی از شاخصه‌های اسلام ناب مد نظر امام (ره) معرفی می‌نماید: «اولین و اصلی‌ترین نقطه در مبانی امام و نظرات امام، مسئله‌ی اسلام ناب محمدی است؛ یعنی اسلام ظلم‌ستیز، اسلام عدالت‌خواه، اسلام مجاهد، اسلام طرفدار محرومان، اسلام مدافع حقوق پابرهنگان و رنج‌دیدگان و مستضعفان. در مقابل این اسلام، امام اصطلاح «اسلام آمریکائی» را در فرهنگ سیاسی ما وارد کرد. اسلام آمریکائی یعنی اسلام تشریفاتی، اسلام بی‌تفاوت در مقابل ظلم، در مقابل زیاده‌خواهی، اسلام بی‌تفاوت در مقابل دست‌اندازی به حقوق مظلومان، اسلام کمک به زورگویان، اسلام کمک به اقویا، اسلامی که با همه‌ی این‌ها می‌سازد. این اسلام را امام نام‌گذاری کرد: اسلام آمریکائی» (خامنه‌ای، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران در بیست و یکمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹/۳/۱۴)

بر همین اساس است که در نظام اسلامی دفاع از تمامی مستضعفان جهان و همچنین تمامی قشرهای محروم و مستضعف کشور در رأس همه برنامه‌ریزی‌های کشور قرار دارد. در سند الگوی پایه پیشرفت در حوزه داخلی اشاره‌ای

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران ما، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دومین و بیست و سومین خردادماه ۱۳۹۸

صریح به حمایت از محرومان و مستضعفان دیده نمی‌شود گرچه اشاره بند ۳۰ الگوی پایه پیشرفت به «توانمندسازی مناطق محروم با توجه به استعدادها و سرزمینی» تا اندازه‌ای در راستای این هدف تلقی می‌شود. در حوزه بین‌المللی اشاره سند تدابیر الگوی پایه پیشرفت به «ترویج عقلانیت و روحیه جهادی در جهان اسلام و حمایت از حرکت‌های اسلامی و نهضت‌های آزادی‌بخش و استیفای حقوق مردم فلسطین» در راستای همین مؤلفه اسلام ناب محمدی (ص) ارزیابی می‌شود.

۳-۴ نفی عبودیت غیر خدا و استکبارستیزی

ولایت و حق حاکمیت در جهان هستی اصالتاً برای خداوند متعال است. از طرف حضرت حق، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و سپس دوازده امام معصوم (علیهم‌السلام) برای تحقق حاکمیت الهی در جامعه منصوب شده‌اند. در زمان غیبت معصوم نیز این مقام به فقیه جامع‌الشرایط می‌رسد که ولایت امر با او است. در این چارچوب، قبول ولایت فقیه هم در واقع قبول ولایت خداوند متعال است، چرا که اطاعت بی‌چون و چرا از دیگر انسان‌ها، نشانه پذیرش نوعی ربوبیت برای آنان و یک نوع عبودیت برای ماست. انسان‌ها باید تنها در مقابل خداوند متعال و کسانی که به اذن او حق ولایت دارند خاضع و خاشع باشد و مابقی ولایت‌ها از جمله ولایت مستکبران دنیا را نفی کنند. بر این اساس، یکی دیگر از ویژگی‌های اساسی اسلام ناب، نفی عبودیت غیر خدا و استکبارستیزی است. در بیانات و نامه‌های امام (ره)، نمونه‌های زیادی در این باره وجود دارد؛ مثل دعوت مسلمانان به قیام علیه استکبار جهانی، دعوت ملت عراق و مصر به قیام، دعوت به قیام علیه اسرائیل، دعوت علمای اسلام به قیام، دعوت علمای مسیحیت به قیام، دعوت به ظلم ستیزی و عدم سازش با ستمگران، و ... ایشان اسلام را مکتبی می‌دانند که انسان‌ها را به گونه‌ای می‌سازد که به جز حق و مبدأ خلق به هیچ مکتبی تسلیم نشوند و تحت تأثیر هیچ قدرتی واقع نگردند. (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۵: ۴۴۷) ایشان در یکی از سخنان خود چنین می‌فرمایند: «روشنفکران اسلامی همگی با علم و آگاهی باید راه پر فراز و نشیب دگرگون کردن جهان سرمایه‌داری و کمونیسم را بپیمایند و تمام آزادی‌خواهان باید با روشن‌بینی و روشنگری، راه سیلی زدن بر گونه ابرقدرت‌ها و قدرت‌ها، خصوصاً آمریکا را بر مردم سیلی خورده کشورهای مظلوم اسلامی و جهان سوم ترسیم کنند. من با اطمینان می‌گویم: اسلام ابرقدرت‌ها را به خاک مذلت می‌نشانند، اسلام موانع بزرگ داخل و خارج محدوده خود را یکی پس از دیگری برطرف و سنگرهای کلیدی جهان را فتح خواهد کرد.» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۰: ۳۲۵) در جایی دیگر، قلمرو و مرز این قیام را مشخص می‌کنند: «ما می‌گوییم تا شرک و کفر هست، مبارزه هست. و تا مبارزه هست، ما هستیم. ما بر سر شهر و مملکت با کسی دعوا نداریم. ما تصمیم داریم پرچم «لا اله الا الله» را بر قلل رفیع کرامت و بزرگواری به اهتزاز درآوریم.» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱: ۸۸)

رهبر معظم انقلاب نیز نفی عبودیت غیر خدا را یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های اسلام ناب می‌داند. در اندیشه ایشان، اسلامی که پیام پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) را با خود همراه داشته باشد، حتماً دشمنی ابوجهل و ابولهب را

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشبران ما، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

بر خواهد انگیخت. اگر در جایی دیده شد ابوجهل‌ها و ابولهب‌ها و بقیه‌ی صنادید کفر جهانی، در مقابل پیام اسلام بی تفاوتند، باید دانست این اسلام، اسلام صدر اسلام و پیامبر اکرم (ص) نیست و روح و تپش حقیقی اسلام در آن مشاهده نمی‌شود. آن اسلامی که صنادید زر و زور و اقطاب قدرت جاهلی و طاغوتی را در دنیا می‌ترساند، اسلام ناب محمدی است. (خامنه‌ای، بیانات در مراسم بیعت ائمه‌ی جمعه، روحانیون، مسئولان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اقبال مختلف مردم و خانواده‌های معظم شهدای استانهای یزد و کهگیلویه و بویراحمد، ۱۳۶۸/۴/۱۱) ترس استکبار نیز از همین اسلام ناب است و الا اسلام آمریکایی هیچ ترسی ندارد: «اسلام فراری، اسلام مخفی شده، اسلامی که مسلمان‌هایش ننگشان می‌آید بگویند ما مسلمانیم و ننگشان می‌آمد در اول سخنرانی‌هایشان «بسم الله الرحمن الرحیم» بگویند، هیچ خطری برای استکبار ندارد ... از چنین اسلامی نمی‌ترسیدند؛ همچنان که از اسلام زراندوزانی مثل سعودی و امثال او نمی‌ترسند. آمریکا، از اسلام نوکرماآب‌هایی مثل بعضی از دولت‌های دیگر نمی‌ترسد- آن اسلام ترس ندارد- از آن اسلامی می‌ترسد که اسلام ناب است، اسلام قرآنی است، اسلام جهاد و مبارزه و اسلام توکل به خداست.» (خامنه‌ای، بیانات در دیدار با جمع کثیری از جانبازان، خانواده‌های معظم شهدا و اسرا، ۱۳۶۸/۸/۲۴) با توجه به همین ویژگی‌های اسلام ناب، دستگاه استکبار هجمه گسترده‌ای را علیه دین مقدس اسلام و احکام نورانی آن آغاز کرده است. این فعالیت دشمن منحصر به برخی از فعالیت‌های رسانه‌ای نیست، بلکه دشمن برای رسیدن به این هدف خود، کار تئوریک و حمله فکری به مبانی اسلامی را نیز در دستور کار خود قرار داده است.

در زمینه استکبار ستیزی و نفی عبودیت غیر خدا بیان صریحی در مبانی، آرمان‌ها، رسالت و افق الگوی پایه پیشرفت دیده نمی‌شود. تنها در سند آرمان‌ها به «مقابله مقتدرانه با دشمنان» اشاره شده است که می‌تواند تا اندازه‌ای ناظر به بعد استکبارستیزی باشد. گرچه از این جهت که عنوان استکبارستیزی به عنوان یکی از آرمان‌های اصلی جمهوری اسلامی به صراحت در سند آرمان‌ها به کار نرفته است این سند قابل نقد است. در سند تدابیر الگوی پایه پیشرفت بند ۵۵ را می‌توان در راستای نفی عبودیت غیر و استکبارستیزی ارزیابی کرد. در این بند بر «ترویج عقلانیت و روحیه جهادی در جهان اسلام و حمایت از حرکت‌های اسلامی و نهضت‌های آزادی‌بخش و استیفای حقوق مردم فلسطین» تأکید شده است. گرچه جا داشت استکبار ستیزی به عنوان یکی از آرمان‌ها و اصول اساسی نظام جمهوری اسلامی در سند مبانی و یا آرمان‌ها مورد اشاره قرار می‌گرفت.

۴- وظیفه نخبگان در تبیین اسلام ناب محمدی

عدم بهره‌مندی مردم در زمان‌های مختلف از تعالیم ناب اسلام در اثر غفلت و جهالت رهبران دینی و سیاسی آنان خسارتی بزرگ است. بهره‌مندی همگان از معارف اسلام ناب نیازمند تبیین آن برای آنان است. بر این اساس نخبگان یک جامعه باید پیام آزادی‌بخش اسلام را هرچه رساتر و شیواتر به گوش و دل آحاد مردم خود برسانند و هویت اسلامی ملت‌های مسلمان را به درستی تبیین کنند. تعالیم روشن اسلام را در موضوعات مهمی چون حقوق بشر، آزادی،

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران ما، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دومین و بیست و سومین خردادماه ۱۳۹۸

مردم‌سالاری، حقوق زن، مبارزه با فساد، رفع تبعیض، مبارزه با فقر و عقب ماندگی علمی برای جوانان بازگو کنند و فریب رسانه‌ای غرب را درباره مبارزه با تروریسم و مقابله با سلاح‌های کشتار جمعی، برای همگان آشکار سازند.

در واقع امروز تبیین معارف اسلام در زمینه‌های گوناگون دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای است و نخبگان در این زمینه نقشی اساسی بر عهده دارند. آیت‌الله خامنه‌ای در ترسیم اهمیت این امر معتقدند «در زمینه‌های گوناگون، امروز نیاز وجود دارد؛ هم برای نظام اسلامی، هم در سطح کشور، هم در سطح جهان. تبیین معرفت‌شناسی اسلام، تفکر اقتصادی و سیاسی اسلام، مفاهیم فقهی و حقوقی‌ای که پایه‌های آن تفکر اقتصادی و سیاسی را تشکیل می‌دهد، نظام تعلیم و تربیت، مفاهیم اخلاقی و معنوی، غیره، غیره، همه‌ی اینها باید دقیق، علمی، قانع‌کننده و ناظر به اندیشه‌های رائج جهان آماده و فراهم شود.» (خامنه‌ای، بیانات در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۷/۲۹) البته نخبگان نباید در معرفی و ترویج مبانی اسلامی در دنیا آن را آمیخته با مبانی غلط دیگران کنند، بلکه باید مبانی معرفتی اسلام را به شکل ناب در اختیار جهانیان قرار دهند. بر این اساس مقام معظم رهبری با توصیه به نخبگان سیاسی و فرهنگی کشور به قرار دادن مبانی اسلام برگرفته از کتاب و سنت در مقابل نگاه پرسشگر مردم دنیا یا مردمی از داخل کشور، تلاش برخی برای تطبیق دادن افکار اسلامی با نظرات غربی به دلیل احساس حقارت در مقابل غربی‌ها را امری نامناسب و ناشایسته دانسته و بیان می‌دارند که ما نباید در بیان حقایق اسلامی، نوآوری‌های اسلامی را با تطبیق با مبانی غلط دیگران از بین ببریم و این جلوه را خراب کنیم. (خامنه‌ای، بیانات در دیدار هزاران نفر از مردم در مراسم هجدهمین سالگرد رحلت حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۸۶/۳/۱۴)

به عنوان مثال یکی از عرصه‌هایی که تعالیم اسلام باید به جهانیان عرضه گردد دیدگاه اسلام در خصوص جایگاه زن و مرد است. زنان نخبه باید دیدگاه غلط موجود در جهان در خصوص زن و مرد را با استفاده از تعالیم اسلامی زیر سؤال برده و دیدگاه ناب اسلامی را در این خصوص تبیین کنند. یکی دیگر از عرصه‌هایی که باید دیدگاه اسلام در خصوص آن برای جهانیان تبیین شود مردم‌سالاری دینی است. نخبگان باید این نکته را برای جهانیان تبیین کنند که مردم‌سالاری واقعی تنها در سایه احکام دین اسلام قابل تحقق است و دنیای اسلام برای مردم‌سالاری محتاج نسخه‌ی مغلوط و بارها نقض‌شده‌ی غرب نیست، بلکه مردم‌سالاری در متن تعالیم اسلامی وجود دارد.

در سند تدابیر الگوی پایه پیشرفت به صورت خاص به نقش نخبگان در تبیین اسلام ناب محمدی پرداخته نشده است. با این حال بند نخست سند تدابیر بر «تبیین و ترویج اسلام ناب محمدی (ص) متناسب با مقتضیات روز» به صورت مطلق اشاره کرده است که به صورت طبیعی شامل همگان از جمله نخبگان جامعه می‌شود. بند چهارده سند تدابیر نیز بر «کوشش و تعامل فکری بلندمدت و پایدار نخبگان و مؤسسات علمی برجسته کشور در عرصه بین‌المللی» تأکید می‌کند. این کوشش و تعامل فکری بلندمدت و پایدار نخبگان می‌تواند در عرصه تبیین اسلام ناب محمدی نیز باشد.

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشبران ما، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

۵- وظیفه نخبگان در نهضت بیداری اسلامی

جوامع اسلامی تاکنون شاهد نهضت‌ها و جنبش‌های مختلفی بوده‌اند. به دلیل وجود بحران‌های داخلی که جریان استبداد و استعمار در این کشورها به وجود آورده، جریان اصلاحی برخاسته از زمینه‌های مذهبی و فرهنگی در این کشورها پدید آمده است. این جریان که ماهیتی اسلامی دارد و به دنبال بازگشت به هویت اسلامی است در دهه‌های اخیر و به خصوص با پیروزی انقلاب اسلامی ایران برجستگی خاصی پیدا کرده است که از آن به «بیداری اسلامی» یاد می‌شود. رهبر معظم انقلاب، با محسوس توصیف کردن بیداری اسلامی در سرتاسر دنیای اسلام، بر این باورند حرکت و نهضت عظیمی در مراحل مختلف در همه‌ی دنیای اسلام مشاهده می‌شود؛ میل برگشت به اصول و مبانی اسلامی، که مایه‌ی عزت و پیشرفت و ترقی است. (خامنه‌ای، بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام به مناسبت سالروز هفدهم ربیع‌الاول، ۱۳۸۲/۲/۲۹) در نظر ایشان «بیداری اسلامی به معنی این نیست که همه‌ی ملت‌ها و همه‌ی آحادی که در این بیداری سهیمند، به صورت منطقی و استدلالی مبانی فکری یک نظام اسلامی را شناخته‌اند، بلکه به این معناست که احساس هویت اسلامی در میان توده‌های مسلمان، در همه‌جا، به وجود آمده است.» (خامنه‌ای، بیانات در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه و رؤسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور، ۱۳۸۳/۵/۲۵) به عقیده ایشان بیداری اسلامی متضمن آگاهی مسلمانان به این نکته است که دستیابی مسلمانان به اهداف والایی چون عدالت، آزادی، مردم‌سالاری، احترام به هویت انسانی و ... تنها در سایه دین اسلام میسر است. (خامنه‌ای، بیانات در مراسم سالگرد رحلت امام خمینی(ره)، ۱۳۹۱/۳/۱۴) ایشان ریشه همه مشکلات جهان را تقسیم جهان به دو دسته سلطه‌گر و سلطه‌پذیر و ظلم کشورهای سلطه‌گر نسبت به کشورهای دیگر می‌دانند و لذا راهکار حل مشکلات را در مبارزه با سلطه‌گری استکبار می‌دانند. (خامنه‌ای، بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی در سالروز بعثت پیامبر اعظم (ص)، ۱۳۹۱/۳/۲۹) در اندیشه رهبر انقلاب تشکیل امت واحده اسلامی نیز از اهداف مهم بیداری اسلامی است. (خامنه‌ای، بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی به مناسبت میلاد پیامبر اکرم (ص) و امام جعفر صادق (ع)، ۱۳۷۸/۴/۱۰) بر این اساس می‌توان بیداری اسلامی را چنین تعریف کرد: احیای هویت اسلامی در جهان اسلام، آگاهی مسلمانان به حقوق خود و نقش استکبار و استعمار در تضعیف امت اسلام و بازگشت مسلمانان به اصول و مبانی اسلام ناب محمدی که یگانه عامل پیشرفت و ترقی آنان و سبب تعیین سرنوشت آنان توسط خود و مقدمه تشکیل امت واحده اسلامی خواهد بود.

بیداری اسلامی دارای مظاهری است که آنها را می‌توان در سه دسته بیان کرد:

نخست، مظاهر فرهنگی بیداری اسلامی شامل احیای تفکر دینی، بازگشت به قرآن، احساس هویت مشترک امت اسلامی، نواندیشی دینی و احیای اصل اجتهاد، توجه به علوم دنیایی و جمع بین دنیاگرایی و آخرت‌گرایی. دوم، مظاهر سیاسی بیداری اسلامی شامل مبارزه با استکبار و استعمار، مبارزه با استبداد داخلی، وحدت اسلامی، احیای اندیشه حکومت

هشتمین کنگراس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران ما، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

دینی. سوم، مظاهر اجتماعی بیداری اسلامی شامل احیای شعائر دینی و توجه به تربیت اسلامی. (میرآقایی، ۱۳۸۳: ۵۳-۶۲)

رهبر معظم انقلاب اصولی را به عنوان اصول اساسی انقلاب‌های منطقه معرفی کرده‌اند که این اصول را می‌توان همان مظاهر بیداری اسلامی از دیدگاه ایشان دانست. این اصول عبارتند از: احیاء و تجدید عزت و کرامت ملی که در طول زمان با دیکتاتوری حاکمان فاسد و با سلطه‌ی سیاسی آمریکا و غرب، در هم شکسته و پایمال شده است؛ برافراشتن پرچم اسلام که عقیده‌ی عمیق و دلبستگی دیرین مردم است و برخورداری از امنیت روانی و عدالت و پیشرفت و شکوفائی که جز در سایه‌ی شریعت اسلامی به دست نخواهد آمد؛ ایستادگی در برابر نفوذ و سلطه‌ی آمریکا و اروپا که در طول دو قرن بیشترین لطمه و خسارت و تحقیر را بر مردم این کشورها وارد آورده‌اند؛ و مبارزه با رژیم غاصب و دولت جعلی صهیونیست که استعمار چون خنجری در پهلوی کشورهای منطقه فرو برده و وسیله‌ای برای ادامه‌ی سلطه‌ی اهریمنی خود ساخته و ملتی را از سرزمین تاریخی خود بیرون رانده است. (خامنه‌ای، بیانات در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی، ۱۳۹۰/۶/۲۶) ایشان همچنین استقلال، آزادی، عدالت‌خواهی، تسلیم نشدن در برابر استبداد و استعمار، نفی تبعیض‌های قومی، نژادی و مذهبی و نفی صریح صهیونیسم را دیگر ارکان بیداری اسلامی معرفی می‌کنند. (خامنه‌ای، بیانات در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی، ۱۳۹۰/۶/۲۶)

در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، در نهضت بیداری اسلامی، نخبگان جهان اسلام دارای نقشی اساسی هستند به گونه‌ای که آینده دنیای اسلام در گرو برنامه‌های زبندگان و نخبگان دنیای اسلام است. زبندگان دنیای اسلام اگر با نگاه حقیقت‌بین و دردشناس به امت اسلامی نگاه کنند و به دنبال علاج باشند، امت اسلامی آینده‌ی خوبی خواهد داشت. اما اگر وظایف خود را نشناسند و یا به آن عمل نکنند باز هم امت اسلامی سال‌های طولانی به همان دردهایی که امروز دچار آن هست، مبتلا خواهد بود. در واقع در خصوص بیداری اسلامی، نخبگان مسئول‌ترین افراد در عرصه‌ی نظام‌سازی، حفظ دستاوردهای مردم و حل مشکلات آن هستند. (خامنه‌ای، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ترجمه خطبه عربی، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴)

چنان‌که گذشت ماهیت اصلی بیداری اسلامی «بازگشت به اسلام» است، البته بازگشت به اسلام به مفهوم «بازگشت به گذشته» نیست، بلکه اگر انقلاب‌های واقع شده در جریان بیداری اسلامی ادامه یابند و دچار توطئه یا استحاله نگردند، مسئله‌ی اصلی نخبگان، چگونگی نظام‌سازی، قانون‌نویسی و مدیریت کشور و انقلاب‌ها خواهد بود؛ این همان مسئله‌ی مهم تمدن‌سازی اسلامی مجدد در عصر جدید است. در این جهاد بزرگ، کار اصلی نخبگان این خواهد بود که چگونه یک تاریخ عقب‌ماندگی، استبداد، بی‌دینی، فقر و وابستگی حاکم بر کشورها را در کوتاه‌ترین زمان‌ها جبران کنند و چگونه با رویکرد اسلامی و به شیوه‌ای مردم‌سالارانه و رعایت عقلانیت و علم، جامعه‌سازی کرده و تهدیدهای داخلی و خارجی را یک به یک از سر بگذرانند؛ چگونه «آزادی و حقوق اجتماعی» منهای «لیبرالیسم»، و «برابری» منهای «مارکسیسم»، و «نظم» منهای «فاشیسم غرب» را نهادینه کنند؛ چگونه تقید خویش به شریعت مرفی اسلام را حفظ کنند، بی‌آنکه گرفتار

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشبران ما، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

جمود و تاجر شوند؛ چگونه مستقل شوند، بی‌آنکه منزوی شوند؛ چگونه پیشرفت کنند، بی‌آنکه وابسته شوند؛ چگونه مدیریت علمی کنند، بی‌آنکه سکولاریزه و محافظه‌کار شوند. (خامنه‌ای، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ترجمه خطبه عربی، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴)

سند الگوی پایه پیشرفت به اصل بیداری اسلامی و به تبع به رسالت‌نخبگان در خصوص آن اشاره ای نکرده است. گرچه بند ۵۴ و بند ۵۵ سند تدابیر را می‌توان تا اندازه‌ای ناظر بر بیداری اسلامی دانست، گرچه صراحتاً به بیداری اسلامی اشاره‌ای نمی‌کند. بند ۵۴ سند تدابیر بر «تقریب مذاهب اسلامی و تحکیم اتحاد و انسجام مسلمانان از طریق تأکید بر مشترکات دینی و پرهیز از اهانت به مقدسات مذاهب اسلامی» تأکید می‌کند و بند ۵۵ سند تدابیر «ترویج عقلانیت و روحیه جهادی در جهان اسلام و حمایت از حرکت‌های اسلامی و نهضت‌های آزادی‌بخش و استیفای حقوق مردم فلسطین» را مطرح نظر قرار می‌دهد. سند افق الگوی پایه پیشرفت نیز بر «وحدت و اخوت اسلامی» در افق سال ۱۴۴۴ تأکید کرده است.

۶- جمع‌بندی و ارائه پیشنهادها

یکی از اقدامات برای مقابله با یک تفکر، مقابله مستقیم با آن است که معمولاً اگر آن تفکر در دل‌های مردمان جای گرفته باشد و جزئی از فرهنگ آنان شده باشد، این شیوه مقابله چندان کارساز نیست. شیوه دیگر مقابله با یک تفکر، مقابله غیرمستقیم از طریق ایجاد بدل‌هایی به جای آن تفکر است. جهان کفر هم پس از مشاهده کارساز نبودن شیوه مقابله مستقیم با اسلام و روزافزون شدن گرایش به اسلام در پی تخریب نمادهای اسلامی، به شیوه غیرمستقیم از طریق ایجاد و یا تقویت جریان‌هایی به نام اسلام در درون امت اسلامی ولی در راستای منافع مستکبران روی آورد. جریان‌هایی که نمونه‌هایی بدلی از دین اسلام ارائه کرده و عملاً نسبتی با مؤلفه‌های اسلام اصیل ندارند. حضرت امام (ره) با تیزبینی کم‌نظیر خود، در طول دوران حیات خویش بارها بر «اسلام ناب محمدی» و جدایی آن از «اسلام آمریکایی» تأکید کرد و سعی نمود با ترسیم مؤلفه‌های این دو اسلام، اسلام اصیل را از خطر تحریف درونی مصون بدارد. بعد از ایشان، رهبر معظم انقلاب نیز با تأکید بر تمایز بین اسلام ناب محمدی و اسلام آمریکایی، سعی در برشمردن مهمترین ممیزات این دو نوع اسلام نسبت به یکدیگر داشته‌اند. مهم‌ترین ممیزات اسلام ناب محمدی در مقابل اسلام آمریکایی عبارتند از: مخالفت با تاجر و قشری‌گری و نگاه سطحی به دین، عدم جدایی دین از سیاست، حمایت از محرومان و مستضعفان و نفی عبودیت غیر خدا و استکبارستیزی، که در این مقاله تلاش شد جوانب مختلف آن‌ها نشان داده شود. حرکت بیداری اسلامی را نیز می‌توان همان احیای اسلام ناب محمدی در جهان اسلام دانست. در این راستا رسالت‌نخبگان و خواص در این خصوص روشن می‌شود. آنان باید پیام آزادی‌بخش اسلام ناب را از طریق معرفی مؤلفه‌های آن، هرچه رساتر و شیواتر به گوش و دل آحاد مردم برسانند و هویت اسلامی ملت‌های مسلمان را به درستی تبیین کرده و بستر تحقق اسلام ناب را در قدم اول در جوامع اسلامی و سپس در کل جهان فراهم آورند.

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشبران ما، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

این مقاله تلاش کرد که الگوی پایه پیشرفت را از حیث «مؤلفه‌های اسلام ناب محمدی» و تکالیف نخبگان در مقابل آن مورد سنجش قرار دهد. بر اساس نتایج حاصل از این مقاله، موارد زیر جهت اصلاح و یا تکمیل الگوی پایه پیشرفت پیشنهاد می‌گردد:

۱- اشاره به «مخالفت با تحجر، قشری‌گری و نگاه سطحی به دین» به عنوان یکی از مبانی دین‌شناختی سند مبانی الگوی پایه پیشرفت و پیش‌بینی تدابیر ناظر به آن در سند تدابیر؛

۲- اشاره صریح به «عدم جدایی دین از سیاست» به عنوان یکی از مبانی دین‌شناختی و همچنین جامعه‌شناختی الگوی پایه پیشرفت و پیش‌بینی تدابیر لازم برای تحقق آن در سند تدابیر؛

۳- اشاره به لزوم زمینه‌سازی برای تحقق فقه به معنای «تئوری واقعی اداره انسان از گهواره تا گور» در سند تدابیر؛

۴- اشاره به حمایت از محرومان و مستضعفان کشور و جهت‌گیری تمامی برنامه‌ریزی‌ها به سمت رفع محرومیت از محرومان و مستضعفان به عنوان یکی از اصول اساسی جمهوری اسلامی و پیش‌بینی تدابیری خاص در جهت تحقق آن در سند تدابیر؛

۵- اشاره به «نفی عبودیت غیر» و «استکبارستیزی» به عنوان یکی از اساسی‌ترین آرمان‌های انقلاب اسلامی در سند مبانی و همچنین سند آرمان‌های الگوی پایه پیشرفت و پیش‌بینی تدابیر ناظر به آن در سند تدابیر؛

۶- اشاره به نقش نخبگان در تبیین اسلام ناب محمدی در تمامی موضوعات خصوصاً نوع نگاه به زن و مردم‌سالاری دینی در سند تدابیر؛

۷- اشاره به بیداری اسلامی، احساس هویت اسلامی و تشکیل امت واحده اسلامی به عنوان آرمان‌های انقلاب اسلامی در سند آرمان‌های الگوی پایه پیشرفت و پیش‌بینی تدابیر ناظر به آن در سند تدابیر الگوی پایه پیشرفت؛

۸- تأکید بر استقلال، آزادی، عدالت‌خواهی، تسلیم نشدن در برابر استبداد و استعمار، نفی تبعیض‌های قومی، نژادی و مذهبی و نفی صهیونیسم به عنوان مهم‌ترین ارکان بیداری اسلامی در سند آرمان‌های الگوی پایه پیشرفت و پیش‌بینی تدابیر ناظر به آن در سند تدابیر الگوی پایه پیشرفت؛

۹- اشاره به وظیفه نظام اسلامی در آگاه‌سازی مسلمانان نسبت به حقوق خود، نقش استکبار و استعمار در تضعیف امت اسلام و همچنین وظیفه نظام اسلامی در بازگشت مسلمانان به اصول و مبانی اسلام ناب محمدی به عنوان یگانه عامل پیشرفت و ترقی آنان و مقدمه تشکیل امت واحده اسلامی در سند تدابیر الگوی پایه پیشرفت؛

۱۰- پیش‌بینی نقش نخبگان در نهضت بیداری اسلامی و بازگشت به اسلام و نقش آنان در نهادینه کردن «آزادی و حقوق اجتماعی» منهای «لیبرالیسم»، و «برابری» منهای «مارکسیسم»، و «نظم» منهای «فاشیسم غرب»، «پایبندی به شریعت» بدون «جمود و تحجر»، «پیشرفت» بدون «وابستگی» و «مدیریت علمی» بدون «سکولاریسم و محافظه‌کاری» در سند تدابیر الگوی پایه پیشرفت.

هشتمین کنگراس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران ما، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

اسفندیاری، محمد (۱۳۸۲) خمود و جمود، چاپ دوم، قم: انتشارات صحیفه خرد.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸) جامعه در قرآن، چاپ دوم، قم: نشر اسراء.

خامنه‌ای، بیانات در چهل و دومین مجمع عمومی سازمان ملل، نیویورک، ۱۳۶۶/۶/۳۱

خامنه‌ای، بیانات در مراسم بیعت ائمه‌ی جمعه، روحانیون، مسئولان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اقشار مختلف مردم و

خانواده‌های معظم شهدای استانهای یزد و کهگیلویه و بویراحمد، ۱۳۶۸/۴/۱۱

خامنه‌ای، پیام به حجاج بیت‌الله الحرام، ۱۳۶۸/۴/۱۴

خامنه‌ای، بیانات در دیدار با جمع کثیری از جانبازان، خانواده‌های معظم شهدا و اسراء، ۱۳۶۸/۸/۲۴

خامنه‌ای، پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره): ۱۳۶۹/۳/۱۰

خامنه‌ای، بیانات در دیدار روحانیون و مبلغان در آستانه‌ی ماه مبارک رمضان: ۱۳۷۷/۹/۲۳

خامنه‌ای، بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی به مناسبت میلاد پیامبر اکرم (ص) و امام جعفر صادق (ع)،

۱۳۷۸/۴/۱۰

خامنه‌ای، بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام به مناسبت سالروز هفدهم ربیع‌الاول: ۱۳۸۲/۲/۲۹

خامنه‌ای، بیانات در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه و رؤسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور،

۱۳۸۳/۵/۲۵

خامنه‌ای، بیانات در دیدار هزاران نفر از مردم در مراسم هجدهمین سالگرد رحلت حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۸۶/۳/۱۴

خامنه‌ای، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران در بیست و یکمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹/۳/۱۴

خامنه‌ای، بیانات در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۷/۲۹

خامنه‌ای، بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، ۱۳۸۹/۹/۱۰

خامنه‌ای، بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۰/۶/۱۷

خامنه‌ای، بیانات در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی، ۱۳۹۰/۶/۲۶

خامنه‌ای، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ترجمه خطبه عربی، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴

خامنه‌ای، بیانات در مراسم سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، ۱۳۹۱/۳/۱۴

خامنه‌ای، بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی در سالروز بعثت پیامبر اعظم (ص)، ۱۳۹۱/۳/۲۹

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۵۳) طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، نسخه الکترونیکی.

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۹) نرم افزار حدیث ولایت (مجموعه بیانات و پیام‌های مقام معظم رهبری)، مؤسسه پژوهشی فرهنگی

انقلاب اسلامی و مؤسسه تحقیقات کامپیوتری نور.

خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۹) صحیفه امام، چاپ پنجم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸) ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷) لغت‌نامه، چاپ دوم، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

فلاح‌پور، مجید (۱۳۸۱) ابعاد و مرزهای اسلام ناب محمدی (ص) از دیدگاه امام خمینی (ره)، مجله مصباح، شماره ۴۱: فروردین

۱۳۸۱

مجلسی، محمدتقی (۱۴۰۳ق) بحارالانوار، چاپ دوم، لبنان: مؤسسه الوفاء بیروت، لبنان.

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران ما، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت دوم و بیت سوم خردادماه ۱۳۹۸

میرآقایی، سید جلال (۱۳۸۳) بیداری اسلامی و مظاهر فرهنگی، سیاسی و اجتماعی آن، مجله اندیشه انقلاب اسلامی، شماره ۱۰.